

در صورتیکه
بسیار از آن در

در صورتیکه
بسیار از آن در
در صورتیکه
بسیار از آن در

حکایت در سیرت از شیر با بجان آلود
اعت است که حکیم عرب را پرسید که روزی که به ما می
باید خوردن گفت صد درم سنگ کفایت کند
تقت این قدر به قوت دهر گفت هه از مقدار سنگ
و ما از ادعای دگ فانت جا می بینی این قدر تراب
پای می آرد و هر چه برین زیادت کنی تو حاصل کنی

حکایت در پیش و خواستنی ملازم صحبت میکند
سفر کرد یکی ضعیف بود که بعد از شب افطار را
کردی و دیگر تو که روزی سیه کار اما قاهر در شهر
تمت جا سوسمی گرفتار آمدند و هر دو را بجای نه در که در نزد
بکل بر آوردند بعد از دو هفته که معلوم شد که سینه آن

در کتونی

در کتونی
بسیار از آن در
در صورتیکه
بسیار از آن در

در کتونی را دیدند مرده و ضعیف جان سبلا
برده مردم درین عجب ماندند حکیم گفت خلاف این
عجب بودی این یکی بسیار خواره بود دست
و طاقت بی توانی نیارد و این اگر خوشتر آرد
بود لاجرم بر عادت خویش مبر کرده بسلا دست اند

حکایت یکی از حکایس را بهمی که از بیا ر
خوردن که سیری مردم را بخوردند گفت ای پدر
که سنگی خلق را بکشند شنیده که طمغان گفته اند که ر
پیسری مردن به که که پسنگی بردن گفت اندازه نکه

دارد کوا او را بشو او را لاسر فوا
نه چند آنک از ضعف چانت بر آید نه صد آن بخور که زود

در کتونی
بسیار از آن در
در صورتیکه
بسیار از آن در

Copyright © King Saud University